

دانش و پژوهش در علوم تربیتی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)
شماره دوازدهم - زمستان ۱۳۸۵
صص ۹۹ - ۸۷

ارزیابی مرکز کار آفرینی دانشگاه اصفهان

منصوره مقتدری^۱ - سید هاشم گلستانی^۲

چکیده

ارزیابی مراکز کارآفرینی دانشگاهها از وظایف دبیرخانه طرح توسعه کارآفرینی در دانشگاههاست که تحت نظارت مرکز مطالعات، تحقیقات و ارزشیابی آموزشی و سازمان سنجش آموزش کشور است. این پژوهش با هدف تعیین میزان فعالیتهای انجام شده در راستای اجرای طرح کاراد انجام گرفته است. تحقیق حاضر توصیفی پیمایشی است و با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته صورت گرفته است و به دلیل محدود بودن جامعه آماری تمامی اعضای فعال مرکز کارآفرینی که ۵۷ دانشجو و کارشناس مرکز است، به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم افزار SPSS در دو سطح آمار استنباطی و توصیفی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های t تک متغیره، t مستقل، t هتلینگک و تحلیل واریانس و

۱- کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی

۲- استاد و رئیس دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی

آزمون توکی و آزمون کالموگروف اسمیرونوف استفاده شده است. در این پژوهش برای سنجش روایی سؤالات از نظر کارشناسان مربوط و برای سنجش پایایی سؤالات از فرمول آلفای کرونباخ ($\alpha = 0/97$) استفاده شده است. نتایج حاصل از یافته‌های پژوهش نشان داد که هر شش مؤلفه مورد بررسی شامل ترویج فرهنگ کارآفرینی با میانگین $2/89$ و آموزش مهارت‌های کارآفرینی با میانگین $2/98$ ، آموزش ویژگی‌های کارآفرینی با میانگین $3/00$ ، کشف و شناسایی زمینه‌های کارآفرینی با میانگین $2/94$ ، آموزش تدوین طرح کسب و کار با میانگین $2/79$ و معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی با میانگین $2/57$ کمتر از سطح متوسط بوده است.

کلید واژه‌ها: دانشگاه، مرکز کارآفرینی، ارزیابی، طرح کاراد.

مقدمه

آموزش دانشگاهی کارآفرینی و یا ایجاد مراکز کارآفرینی در دانشگاهها در مراحل ابتدایی است و هنوز در نوع خود یک مخاطره به‌شمار می‌آید. در سالهای اخیر تعداد دانشگاههایی که واحدهای کارآفرینی ارائه می‌دهند روند رو به رشدی داشته است، اما هنوز بسیاری از دانشکده‌ها و مسؤولان آن به این موضوع اعتقاد ندارند. ضمن اینکه بیشتر دانشگاهها در تحقق رسالت نخستین خود یعنی تدریس و تحقیق موفق بوده‌اند. اما هنوز پایه فرهنگ انجام کارهای جدید و پرخطر بر مبنای آن آموزشها و تحقیقها را بنا نکرده‌اند. این کمبود فرهنگ کارآفرینی نه تنها به معنای آن است که دانشگاهها طرح برنامه و بودجه‌ای درخور توجه به این امر اختصاص نداده‌اند، بلکه بیشتر دانشجویان نیز اعتقاد دارند که تصورات آنها منجر به تولید تجاری و اشتغال‌زایی نمی‌شود.

تکیه بر توسعه اقتصادی و توجه به اقتصاد علم‌محور در برنامه‌ریزی توسعه و همچنین نقش شرکت‌های کوچک و متوسط در توسعه این حوزه از اقتصاد سبب شده است، بسیاری از مراکز دانشگاهی دنیا به جای رویکرد دانشگاه متخصص‌پرور، رویکرد دانشگاه مؤسس‌پرور را دنبال کنند. به واسطه همین رویکرد است که دیده می‌شود موضوع آموزش‌های کارآفرینی ایجاد تغییرات لازم در نظام آموزشی دانشگاه با هدف آماده کردن فارغ‌التحصیلان برای ورود به عرصه‌های اقتصادی در دستور کار این مراکز دانشگاهی قرار گرفته است (کریمیان اقبال، ۱۳۸۳، ص ۶).

این تحقیق خلأ موجود در دانشگاهها در زمینه توسعه کارآفرینی را نشان می‌دهد. با توجه به این مسائل پژوهشگر قصد دارد که میزان توفیق چنین مراکزی را در رسیدن به اهداف خود و لزوم تشکیل این مراکز بررسی کند تا شاید نتایج به‌دست آمده بتواند بر مسئولان اجرایی و دست‌اندرکاران دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در اتخاذ سیاستها و همین‌طور برنامه‌ریزی‌های آموزشی نقش مؤثری داشته و راهکارهای مناسب و اساسی به‌منظور توسعه کارآفرینی در دانشگاهها ارائه نماید.

پیشینه پژوهش

اقتصاد ایران یک اقتصاد تک‌محصولی و متکی به درآمدهای نفتی است. عمده‌ترین درآمد کشور از طریق صدور نفت خام تأمین می‌شود و صادرات غیرنفتی باوجود تلاش‌های زیادی که در سالهای اخیر صورت گرفته، هنوز نتوانسته است رقم زیادی را به خود اختصاص دهد. این در شرایطی است که حجم صادرات کشوری مانند کره جنوبی که وسعت آن کمتر از استان خراسان است، در سال گذشته ۲۴۰ میلیارد دلار بوده است. همچنین صادرات کشور چین فقط به کشور آمریکا در سال گذشته حدود ۱۰۰ میلیارد دلار بوده است. مقایسه وضعیت اقتصادی کشور با کشورهای صنعتی و توسعه یافته و حتی کشورهایی مانند مالزی، سنگاپور، کره و ... در زمینه‌های تولید، صادرات، اشتغال، مصرف و ... نشان می‌دهد که رشد و توسعه اقتصادی ایران از وضعیت مناسبی برخوردار نیست (باقری‌نژاد، ۱۳۸۴، ص ۳). بنابراین برای جبران عقب‌ماندگی‌ها و برای رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور راهی جز فعال کردن سایر بخش‌های اقتصادی از طریق حمایت از کارآفرینی و کارآفرینان کشور نیست.

مشبکی و فتحی (۱۳۸۱) با توجه به پیشرفت روزافزون میزان بیکاری و وجود مشکلات و فرصت‌های جدیدی که بر سر راه اشتغال است، خودکارآفرینی را به‌عنوان مهمترین راهبرد برای پاسخگویی به این مسائل و بهره‌گیری از فرصت‌ها پیش‌بینی می‌نماید. هر چند برخلاف اشتغال‌زایی کارآفرینی به پدید آوردن ارزش‌های مادی و اقتصادی یا پیشه و کار محدود نمی‌شود، بلکه رشد و توسعه کشور و بهبود بهره‌وری را نیز در نظر دارد.

انتظاری (۱۳۸۳) در مطالعات خود با عنوان «ظهور دانشگاه کارآفرین و توسعه تعامل علم و صنعت» نشان داد بهترین روش توسعه تعامل دو نهاد علم و صنعت در ایران تکوین و توسعه دانشگاه کارآفرین است.

حیدری (۱۳۸۳) در خصوص «کارآفرینی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی» ضمن تأکید بر اهمیت و ضرورت مسأله کارآفرینی و نقش دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی در کارآفرینی بیان می‌دارد، این مراکز به علت داشتن امکانات آموزشی و پژوهشی پیشرفته و نیروهای کارشناس و کاردان می‌توانند در بخش‌های گوناگون بازار کار فعالیت نمایند. همچنین نظام آموزش و پژوهش دانشگاههای کشور به دلیل حوزه مأموریت تعریف شده به‌طور عمده برای آموزش‌های تخصصی دانشجویان و آماده‌سازی آنها برای پژوهش متمرکز شده است. معمولاً فارغ‌التحصیلان دانشگاهها حتی آنهایی که روحیه کارآفرینی دارند، برای ورود به بازار کار و ایجاد حرفه آمادگی لازم را ندارند و همین امر باعث شده است اغلب فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به استخدام در مراکز دولتی و خصوصی باشند (کریمیان اقبال، ۱۳۸۳، ص ۶).

به‌طور کلی در سال ۱۹۹۰ تحقیق در خصوص آموزش کارآفرینی همچون یک رشته جدید مورد توجه قرار گرفت و مواردی همچون توسعه روشهای تحقیقی برای سنجش اثربخشی آموزش کارآفرینی، محتوا و روشهای آموزش کارآفرینی، قابلیت افرادی که در زمینه کارآفرینی آموزش می‌بینند، قبول آموزش کارآفرینی در مدارس و نه در فعالیتهای اقتصادی، وجود و توسعه یک چهارچوب علمی مشترک در زمینه کارآفرینی، اثربخشی دیگر شیوه‌های آموزش و نیازهای آموزشی کارآفرین تعلیم‌یافته در طول چرخه عمر شرکت مورد توجه قرار گرفت (احمدپور، ۱۳۷۸، ص ۱۹).

در تحقیقی که وسپر (۱۹۹۰) انجام داد به بررسی «افزایش رغبت به فعالیتهای کارآفرینانه و نقش آموزش در این زمینه» پرداخت. او متوجه شد که آموزش نقش بسیار مهمی در افزایش عملکرد کارآفرینانه افراد خواهد داشت.

چی کو (۱۹۹۶) طی پژوهش در هونگ کونگ از بین ۱۰۰ دانشجو به تفکیک و تمایز دانشجویان مستعد کارآفرینی از غیرمستعد با استفاده از ویژگیهای روان‌شناختی پرداخت. او مشخص کرد که دانشجویان مستعد کارآفرینی به‌طور معناداری از ابتکار، تحمل ابهام و تمایل برای خطرپذیری بالاتری در مقایسه با دانشجویان غیرمستعد کارآفرینی برخوردارند. همچنین نتایج مطالعه راشید (۲۰۰۰) در زمینه «نقش آموزش بر افزایش نگرش‌ها و خصوصیات کارآفرینانه» مؤید آن است که آموزش می‌تواند بر تغییر نگرش‌های کارآفرینانه مؤثر باشد.

در تحقیقی به منظور بررسی «نقش تحصیلات کارآفرینانه» نوئل (۲۰۰۲) سه فرضیه را بررسی کرد: ۱- بیشتر تحصیلکرده‌های کارآفرینی مشاغل و کسب و کارهایی از خود دارند. ۲- کارآموزان تحصیلکرده با تأکید و تمرکز و اعتماد بالاتری نسبت به تواناییهای خود اقدام به گشایش و ادامه کسب و کار جدید می‌کنند. ۳- بیشتر کارآفرینان فارغ‌التحصیل تمایل دارند کسب و کار جدیدی ایجاد کنند. نتایج تحقیق هر سه فرضیه را تأیید کرد.

جانز و انگلیش (۲۰۰۴) طی مطالعه‌ای که در دانشگاه تاسمانیا اجرا شد دریافتند که با فرایند آموزش کارآفرینی می‌توان افراد را با توانمندی خود برای بازشناسی فرصت‌های تجاری، به صورت داشتن اعتماد به نفس و عزت نفس و نیز دانش و مهارت آنها برای اقدام آشنا کرد.

سگال و همکاران (۲۰۰۵) برای تعیین «انگیزه‌هایی که باعث کارآفرین شدن می‌شود» با انجام پژوهشی بر روی ۱۱۴ نفر از دانشجویان در دانشگاه فلوریدا دریافتند که خطرپذیری و داشتن دیدگاه علمی و همین‌طور جذابیت شغلی هر سه به‌طور معناداری باعث کارآفرینی می‌شوند. گالوی و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که بر روی ۵۱۹ دانشجو از چهار دانشگاه اسکاتلند انجام دادند، دریافتند که آموزش کارآفرینی بر افزایش مهارت‌های دانشجویان در خلاقیت توانایی کار گروهی و اعتماد به نفس و همچنین مهارت‌های ارتباطی و مهارت‌های مدیریتی تأثیر داشته است.

سؤالات پژوهش

- ۱- تا چه میزان فرهنگ کارآفرینی ترویج یافته است؟
- ۲- تا چه میزان مهارت‌های کارآفرینی آموزش داده شده است؟
- ۳- تا چه میزان ویژگی‌های کارآفرینی آموزش داده شده است؟
- ۴- تا چه میزان زمینه‌های کارآفرینی و ایجاد بسترهای لازم در قالب مراکز پیش رشد تخصصی کشف و شناسایی شده است؟
- ۵- تا چه میزان تدوین طرح کسب و کار آموزش داده شده است؟
- ۶- تا چه میزان دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی معرفی شده‌اند؟
- ۷- آیا بین نظرهای دانشجویان با توجه به ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (سن، جنس، تحصیلات و...) در خصوص این ابعاد تفاوت وجود دارد؟

روش

روش این پژوهش با توجه به ماهیت موضوع و اهداف توصیفی-پیمایشی است. جامعه آماری در این پژوهش کلیه کارشناسان و دانشجویان فعال مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان (۵۷ نفر) هستند. ابزار جمع‌آوری داده‌ها پرسشنامه محقق‌ساخته است که براساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت تنظیم و بین جامعه آماری توزیع گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌های این پژوهش از نرم‌افزار SPSS در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از توزیع فراوانی، درصد، میانگین و انحراف معیار و در سطح آمار استنباطی از آزمون‌های t تک‌متغیره، t مستقل، t هتلینگ، تحلیل واریانس، آزمون توکی و آزمون کالموگروف اسمیرونوف استفاده شده است.

یافته‌ها

سؤال ۱- تا چه میزان فرهنگ کارآفرینی ترویج یافته است؟

جدول ۱- مقایسه میانگین نمره میزان ترویج فرهنگ کارآفرینی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
ترویج فرهنگ کارآفرینی	۲/۸۹	۰/۸۱۰	۰/۱۰۷	-۱/۰	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۱ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان فرهنگ کارآفرینی کمتر از سطح متوسط ترویج یافته است.

سؤال ۲- تا چه میزان مهارت‌های کارآفرینی آموزش داده شده است؟

جدول ۲- مقایسه میانگین نمره میزان آموزش مهارت‌های کارآفرینی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
آموزش مهارت‌های کارآفرینی	۲/۹۸	۰/۸۳۷	۰/۱۱۰	-۱/۵	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۲ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان آموزش مهارت کارآفرینی کمتر از سطح متوسط است.

سؤال ۳- تا چه میزان ویژگیهای کارآفرینی آموزش داده شده است؟

جدول ۳- مقایسه میانگین نمره میزان آموزش ویژگیهای کارآفرینی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
آموزش ویژگیهای کارآفرینی	۳/۰۰	۰/۸۶۰	۰/۱۱۳	۰/۰۴۴	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۳ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان آموزش ویژگیهای کارآفرینی کمتر از سطح متوسط است.

سؤال ۴- تا چه میزان زمینه‌های کارآفرینی در قالب مراکز پیش‌رشد کشف و شناسایی شده است؟

جدول ۴- مقایسه میانگین نمره میزان کشف و شناسایی زمینه‌های کارآفرینی در قالب مراکز پیش‌رشد

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
کشف و شناسایی زمینه‌های کارآفرینی	۲/۹۴	۰/۸۱۰	۰/۱۰۷	-۰/۴۷۰	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۴ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان این مؤلفه از سطح متوسط کمتر است.

سؤال ۵- تا چه میزان تدوین طرح کسب و کار آموزش داده شده است؟

جدول ۵- مقایسه میانگین نمره میزان آموزش تدوین طرح کسب و کار

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
آموزش تدوین طرح کسب و کار	۲/۷۹	۰/۸۴۰	۰/۱۱۱	-۱/۸۵	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۵ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان این مؤلفه از سطح متوسط کمتر است.

سؤال ۶- تا چه میزان دانشجویان دارای طرح به مراکز حمایتی معرفی شده‌اند؟

جدول ۶- مقایسه میانگین نمره میزان معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی

متغیر	میانگین	انحراف معیار	se	t	درجه آزادی
معرفی دانشجویان به مراکز حمایتی	۲/۵۷	۰/۷۳۹	۰/۰۹۷۹	-۴/۳۵	۵۶

۳ = میانگین فرضی

براساس یافته‌های جدول ۶ با توجه به اینکه t مشاهده شده از مقدار بحرانی جدول در سطح خطای ۰/۰۵ کوچکتر است، بنابراین میزان این مؤلفه از سطح متوسط کمتر است.

سؤال ۷- آیا بین نظرهای دانشجویان با توجه به ویژگیهای جمعیت‌شناختی آنها در مورد این ابعاد تفاوت وجود دارد؟

جدول ۷- مقایسه میانگین نمره مؤلفه‌های کارآفرینی در دانشگاه اصفهان

مؤلفه‌ها	میانگین	انحراف معیار
ترویج فرهنگ کارآفرینی	۲/۸۹	۰/۸۱۰
آموزش مهارت‌های کارآفرینی	۲/۹۸	۰/۸۳۷
آموزش ویژگیهای کارآفرینی	۳/۰۰	۰/۸۶۰
کشف و شناسایی زمینه‌های کارآفرینی	۲/۹۴	۰/۸۱۰
آموزش تدوین طرح کسب و کار	۲/۷۹	۰/۸۴۰
معرفی دانشجویان به مراکز حمایتی	۲/۵۷	۰/۷۳۹

$$f^2 = ۰/۳۴$$

$$f = ۷/۸۶$$

$$P = ۰/۰۰۰$$

براساس نتایج جدول ۷ بیشترین میزان مؤلفه‌های کارآفرینی مربوط به آموزش ویژگیهای کارآفرینی و کمترین آن مربوط به معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های جدول ۱ میزان فرهنگ کارآفرینی در سطح $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط ترویج یافته است. این در حالی است که هنوز کارآفرینی و فرهنگ آن به‌عنوان یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر در جامعه و به‌ویژه جامعه دانشگاهی پذیرفته نشده است و تصورات و پنداشت‌های قبلی نسبت به موضوع کارآفرینی از قبیل مقاومت در برابر تغییرات، عدم پذیرش اصل تغییر و عدم پرهیز از تکرار مکررات و رویه‌های ثابت تأثیر بسزایی در کاهش میزان ترویج فرهنگ کارآفرینی داشته است. نتایج تحقیق علوی (۱۳۸۲) نشان داد که باوجود اهمیت موضوع در جامعه دانشگاهی، به بحث کارآفرینی

و ایجاد رشته‌های مربوط تاکنون توجه جدی نشده در صورتی که امروزه در آمریکا و کانادا بیش از ۵۰۰ دانشکده رشته‌های آموزشی کارآفرینی فعال است. به هر حال در سالهای اخیر در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه این وفاق ملی شکل گرفته که بحران بیکاری بجز از طریق توسعه کارآفرینی و دمیدن روح نوآوری در کالبد اجتماعی امکان‌پذیر نیست.

یافته‌ها در خصوص سؤال ۲ براساس جدول ۲ نشان داد که میزان مهارتهای کارآفرینی با خطای $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط آموزش داده شده است. با وجودی که یافته‌های این سؤال پژوهش با یافته‌های پژوهش هنری و همکاران (۲۰۰۵) مبنی بر اینکه باوجود رشد برنامه‌های آموزش کارآفرینی جنبه‌های بسیار کمی از کارآفرینی به‌طور موفقیت‌آمیز قابل آموزش بوده است، همسویی نشان می‌دهد اما این موضوع تأمل و بررسی بیشتری را می‌طلبد زیرا در امر کارآفرینی باید ابتدا ماهیت کارآفرینی و مبانی آن آموزش داده شوند و سپس آموزش‌های لازم به‌منظور کسب مهارتهای مورد نیاز به کارآفرینان ارائه شود (به نقل از شاه‌حسینی، ۱۳۸۳، ص ۱۲۸).

شاید بتوان گفت که آموزش‌هایی که در تمام مقاطع آموزشی کشور ما به مخاطبان داده می‌شود، آنها را برای شروع کسب و کار شخصی و یا تأسیس شرکت، توانایی برقراری ارتباط مؤثر، انجام کار گروهی و... آماده نمی‌کند. دانشجویان در دانشگاهها نمی‌دانند که برای کسب این مهارتها به چه نوع آموزشهایی نیاز دارند و آیا این نیازها واقعاً با آموزشهای برنامه‌ریزی شده مسئولان مربوط مطابقت دارد؟

با توجه به یافته‌های جدول ۳ آموزش ویژگیهای کارآفرینی در سطح $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط است. نکته‌ای که شاید بتوان به‌عنوان عاملی در افت میزان آموزش ویژگیهای کارآفرینی به آن اشاره کرد نقش آموزش و پرورش در طول سال تحصیلی و به خصوص در زمان اوقات فراغت دانش‌آموزان است. نظام آموزشی کشور علاوه بر اینکه هیچ برنامه آموزشی در زمینه کارآفرینی در دروسهای رشته‌های مختلف نگنجانده است، برای اوقات فراغت نیز هیچ‌گونه برنامه‌ای حتی به اندازه آشنایی دانش‌آموزان با مقوله کارآفرینی طراحی نکرده است. گالوی و همکاران (۲۰۰۵) در پژوهشی که بر روی ۵۱۹ دانشجو از چهار دانشگاه اسکاتلند انجام دادند، دریافتند که آموزش کارآفرینی بر افزایش مهارتهای دانشجویان در خلاقیت توانایی کار گروهی و اعتماد به‌نفس و همچنین مهارتهای ارتباطی و مهارتهای مدیریتی تأثیر داشته است.

براساس جدول ۴ این پژوهش در زمینه کارآفرینی در قالب مراکز پیش‌رشد در سطح $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط کشف و شناسایی شده است. شاید بتوان آگاهی و اطلاع نداشتن دانشجویان از فعالیتها و برنامه‌های مراکز پیش‌رشد، تغییر مدیریت در فاصله زمانی کوتاه و براساس آن تغییر سیاستگذاری‌ها که منجر به بی‌ثباتی برنامه‌ریزی‌های لازم در پیش‌رشد‌ها شده و به تبع آن کاهش انگیزه دانشجویان هنگام شروع فعالیت در مرکز کارآفرینی را دلیل پایین بودن میزان این مؤلفه از سطح متوسط شمرد. در این زمینه شاور و اسکات (۱۹۹۱) تحقیقاتی را بازنگری کردند که از «انگیزه پیشرفت به‌عنوان یک پیش‌بینی‌کننده در کارآفرینی» یاد شده بود. آنها نتیجه گرفتند که بین انگیزه پیشرفت و کارآفرینی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

براساس جدول ۵ آموزش تدوین طرح کسب و کار در سطح $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط بوده است. از جمله مواردی که نقش بسزایی در موفقیت یا عدم موفقیت شرکتها یا سازمانها داشته و دارد تدوین طرح کسب و کار است. شناخت نداشتن دانشجویان از اصول کسب و کار و مدیریت کسب و کار و از همه مهمتر تدوین طرح کسب و کار از علل افت این مؤلفه است.

براساس یافته‌های جدول ۶ میزان معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی در سطح $P < ۰/۰۵$ کمتر از سطح متوسط بوده است. به نظر می‌رسد خطر عدم بازگشت سرمایه بزرگترین علل افت این مؤلفه است، چرا که معمولاً این‌گونه مراکز حمایتی (صندوق‌ها) مایل به خطر کردن نیستند. همچنین مراکز دولتی به علت تعدد انتظارات در بخش‌های گوناگون و کمبود بودجه، ناخواسته نمی‌توانند کمک‌چندانی به فعالیتهای کارآفرینانه اختصاص دهند. از سوی دیگر مراکز خصوصی نیز در کشورهای در حال توسعه از چندان جایگاه و قدرتی برخوردار نیستند که دانشجویان صاحب فکر و ایده خلاق با اطمینان کافی به آنها تکیه کنند و اغلب این‌گونه تجارب محکوم به شکست بوده است.

مطابق جدول ۷ بیشترین میزان مؤلفه‌های کارآفرینی مربوط به آموزش و ویژگیهای کارآفرینی و کمترین آن مربوط به معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی بوده است.

شاید باید علت این امر را در برنامه‌ریزی مفید و مؤثر کارآفرینی نسبت به امر آموزش و ویژگی‌های کارآفرینی، استقبال بیشتر دانشجویان از کلاس‌های تشکیل شده، عدم برنامه‌ریزی مناسب مرکز نسبت به معرفی دانشجویان دارای طرح کسب و کار به مراکز حمایتی و سیاستگذاری‌های ناکافی و محدود دولت در این زمینه جست‌وجو کرد. از آنجا که فرهنگ‌سازی درباره کارآفرینی در جامعه و به‌خصوص در دانشگاه بر عهده نهاد‌های آموزشی است بنابراین برنامه‌ریزی به‌منظور تحقق این مهم در مقاطع پایین‌تر آموزشی ضروری به نظر می‌رسد. همچنین اطلاع‌رسانی وسیع و گسترده برای آشنایی هر چه بیشتر دانشجویان با طرح توسعه کارآفرینی پیشنهاد می‌شود. برگزاری برنامه‌های تشویقی برای دانشجویانی که در فعالیتهای خلاق و کارآفرینی پیشگام هستند و گنجانیدن دوره‌های کارآفرینی در دروس تمامی رشته‌های تحصیلی و همه مقاطع تحصیلی به دلیل ماهیت بین رشته‌ای این موضوع و همچنین برگزاری دوره‌های آموزشی با کیفیت بهتر پیشنهاد می‌شود.

منابع

- احمدپور داریانی، محمود. (۱۳۷۸)، *کارآفرینی، تعاریف، نظرها، الگوها*، تهران، پردیس.
- انتظاری، ی. «ظهور دانشگاه کارآفرین و توسعه تعامل علم و صنعت»، *علم و آینده*، شماره ۸، بهار ۱۳۸۳.
- باقری‌نژاد، جعفر. «نقش دانشگاه کارآفرین در توسعه کارآفرینی»، *فصلنامه علمی فرهنگی کارمایه*، مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان، آذرماه ۱۳۸۴.
- حیدری، احمد. «کارآفرینی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی»، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، دوره ۱۸، شماره ۱۱ - ۱۲، مرداد و شهریور ۱۳۸۳.
- شاه حسینی، علی. (۱۳۸۳)، *کارآفرینی*، تهران، نشر آبیژ.
- علوی، سید ابوالفضل. «کارآفرینی و رسالت دانشگاه»، *رهیافت، فصلنامه سیاست علمی پژوهشی*، شماره ۲۹، بهار ۱۳۸۲.
- کریمیان اقبال، مصطفی و همکاران. «نقش انکوباتورهای دانشگاهی در بسترسازی کارآفرینی دانشجویان و دانش‌آموختگان دانشگاهی»، *فصلنامه علمی فرهنگی کارمایه*، مرکز کارآفرینی دانشگاه اصفهان، آبان ماه ۱۳۸۳.

مشبکی، اصغر و سعید فتحی. (۱۳۸۱)، «خودکارآفرینی، ابزار مواجهه با بحران اشتغال در کشور»، پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۶، صفحه ۲۴.

CHYEKOH, H. (1996). *Testing Hypotheses of entrepreneurial characteristics: A study of hong kong MBA students*. Journal of managerial psychology. 11(3).12 – 25.

GALLOWAY, L. & et al. (2005). *Enterprise skills for the economy*. Education & Training. 47(1).7 – 17.

HENRY, C. et al. (2005). *Entrepreneurship education and training can entrepreneurship be though?* Journal of education & training. 7(3).153 – 169.

JONES, C. & ENGLISH, J. (2004). *A contemporarg approach to entrepreneurship education*. Journal education trining. 46(8/9).416 – 423.

NOEL, T.W. (2002). *Effects of entrepreneurial education on Intention to open a business*. [Http://WWW.Babson.Edu/Entrep/Fer/Babson](http://WWW.Babson.Edu/Entrep/Fer/Babson) 2001/.

RASHEED, H.S. (2000). *Developing Entrepreneurial Potential in youth: The effect of entrepreneurial education and venture creation*. [Http://WWW.Caba.Usf.Edu/Departments/ Management/Faculty/ Rasheed/ YouthE ntrepreneurship](http://WWW.Caba.Usf.Edu/Departments/Management/Faculty/Rasheed/YouthE ntrepreneurship)

SEGEL, G. & et al. (2005). *The Motivation to become and entrepreneurial behavior & research*. 11(1).42 – 57.

SHAVER, K.G. & SCOTT, L.R. (1991). *Person, process, choice: The psychology of New venture creation*. Entrepreneurship theory and practice. 16 (Writer) 23 – 42 :

VESPER, K.H. (1990). *New Venter Strategies*. Prentice Hall, Englewood cliffs, N.J.

تاریخ وصول: ۸۵/۶/۱۹

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۰/۱۲